### جلسه 4

**چهارشنبه - 07/۰7/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به حرمت مجسمه سازی بود که بر اساس روایاتی که بود که من صوّر صورة أمر ان ینفخ فیها و لیس بنافخ که روایات مستفیضه بود ما قائل شدیم به حرمت ساختن مجسمه.

#### باد کردن اشیاء پلاستیکی هم جایز نیست

لفظ ساختن مجسمه هم موضوعیت ندارد. مثّل مثالا. که چه بسا بر همین باد کردن این اشیائی که پلاستیکی می‌سازند هم صدق کند و لذا خالی از اشکال نیست.

#### نقاشی موجودات ذی الروح ویا حفر اطراف حرام نیست

اما نقاشی موجودات ذی روح یا حالت حفر که برخی اخیرا انجام می‌دهند که جای آن مجسمه را خالی می‌کنند، اطرافش باقی می‌ماند که از دور به عنوان مجسمه دیده می‌شود، در حالی که آن قسمت مجسمه خالی است، این به نظر ما اشکال ندارد. بر خلاف مرحوم شیخ انصاری و آقای خوئی که حرام می‌دانند نقاشی موجودات زنده را یا با ایجاد حفره تصویر موجودات زنده را ایجاد کنیم، حرام می‌دانند ما به نظرمان حرمت ندارد.

#### روایت اول: حدیث مناهی النبی صلی الله علیه وآله

استدلالی که کردند مثل مرحوم آقای خوئی و شیخ انصاری عمدتا یکی به مناهی النبی هست: نهی ان ینقش شیء من الحیوان علی الخاتم. پیامبر نهی کرد از نقش، ایجاد کردن بر روی انگشر که یک موجود زنده‌ای را نقاشی کنیم روی انگشتر.

#### مناقشه در استدلال به روایت مناهی به ضعف سند ودلالت بر حرمت

ما این حدیث مناهی النبی را سندا ضعیف می‌دانیم. هم شعیب بن واقد که راوی این حدیث است از حسین بن زید مجهول است. هم خود حسین بن زید توثیق ندارد. و هم سند صدوق به شعیب بن واقد مشتمل بر مجاهیل هست. و لذا سند، سند تمامی نیست در حدیث مناهی النبی.

علاوه بر این‌که این حدیث مناهی النبی از امیرالمؤمنین نقل شده که نهی النبی عن فلان و فلان، آنقدر مشتمل بر مکروهات هست که ظهور سیاقیش در اعم از حرمت و کراهت شده. ظهور در حرمت ندارد. کانّ امیرالمؤمنین تمام نهی‌های پیامبر را اعم از نهی‌های کراهتی و تحریمی جمع کرده. و لذا نمی‌شود استدلال کرده به حدیث مناهی النبی بر حرمت یک فعلی. برخی از احادیث هست مستقل است، قال رسول الله صلی الله علیه و آله انهاکم عن الزفن و المزمار و عن الکوبات و الکبرات، نه، آن حدیث مناهی النبی نیست؛ او مستقل است. حدیث مناهی النبی ظهور در حرمت ندارد.

[سؤال: ... جواب:] امیرالمؤمنین نقل کرد. ... و لکن ظهور سیاقی این است که امیرالمؤمنین جامع نهی‌ها را نقل می‌کند اعم از نقل‌های کراهتی و نهی‌ها تحریمی. مقید نیست فقط نهی‌ها تحریمی را نقل کند. ... امیرالمؤمنین دارد نقل می‌کند نهی النبی. ما چه می‌دانیم پیامبر گفت انهاکم، شاید پیامبر فرمود ان لم تفعلوا فهو خیر لکم یا قرینه‌ای ذکر کرد پیامبر بر کراهت. امیرالمؤمنین فرمود نهی النبی عن التختم بخاتم صفر او حدید و نهی ان ینقش شیء من الحیوان علی الخاتم.

اشکال دیگری که ما داریم این هست که محتمل است همآن‌طور که مرحوم استاد در ارشاد الطالب دارند به قرینه صدر این جمله نهی از تختم باشد به این خاتمی که نقش حیوان دارد. قبلش این است: نهی عن التختم بخاتم صفر او حدید و نهی ان ینقش شیء من الحیوان علی الخاتم. که دیگه ربطی پیدا نمی‌کند به حرمت نقاشی. نهی شده از لبس این خاتمی که نقش حیوان در او هست که حمل می‌شود بر کراهت.

بر فرض بگوییم نقش حیوان را بر خاتم ایجاد کردن که معمولا با حکاکی بوده روی سنگ انگشتر این نهی دارد. از آن نمی‌شود استفاده کرد پس مطلق نقاشی حیوان نهی دارد. شاید خاتم یک خصوصیتی دارد. احکام تعبدیه است. ما که نمی‌توانیم قیاس بکنیم.

[سؤال: ... جواب:] اشکال اخیر ما این بود که همآن‌طور که استاد دارند لعل مراد نهی از تختم به این خاتم باشد. و اگر مراد نهی از تنقیش این خاتم است، نقش‌گذاری بر این خاتم است به نقش حیوان، شاید خاتم خصوصیت داشته باشد. ... صدر روایت داشت و نهی عن التختم بخاتم صفر او حدید و نهی ان ینفش شیء من الحیوان علی الخاتم. ... در کنار هم که ذکر شده این ممکن است مراد از نهی ان ینقش یعنی نروید سراغ این انگشترهایی که نقش حیوان را روی انگشتر ایجاد نکنید چون مردم می‌خواهند این انگشتر را بپوشند، به دست بکنند، به دست کردن همچون انگشتری مکروه است. و گیرم اصلا نهی خورده به خود نقش، نقش حیوان ایجاد کردن روی خاتم، شاید یک خصوصیتی داشته باشد. ما چه جور الغاء خصوصیت بکنیم از انگشتری که مردم به دست می‌کنند، دائم جلوی چشم‌شان هست؟ ما چه جور الغاء خصوصیت کنیم به مطلق نقاشی که روی کاعذ کشیده می‌شود؟

#### روایت دوم: موثقه ابی بصیر (نهی از تصاویر التماثیل) برای حرمت نقاشی

روایت دوم که مطرح کردند موثقه ابی بصیر است. که جبرئیل نازل شد به پیامبر عرض کردم ان ربک یقرئک السلام و ینهی عن تزویق البیوت. ابوبصیر که این را از امام شنید عرض کرد و ما تزویق البیوت؟‌فقال تصاویر التماثیل.

تصاویر التماثیل خب شامل عکس هم می‌شود دیگه، شامل نقاشی هم می‌شود دیگه. غیر از این است که بگوید تماثیل. تصاویر التماثیل. کسی که نقاشی می‌کشد روز کاغذ صدق می‌کند تصاویر التماثیل.

#### استاد: منهی تزیین بیوت است فیحمل علی الکراهة

ما عرض‌مان این است که این روایت یا ظهور دارد در تزیین بیوت به این تصاویر، تزویق البیوت یعنی تزیین البیوت و یا لااقل نهی خورده به نگهداری و تزیین بیوت به این تصاویر التماثیل و قرینه منفصله داریم که قطعا این حرام نیست. نمی‌توانیم بگوییم پس نقاشی کردن حرام است. خب شاید این می‌خواهد بگوید نگهداری تصاویر تماثیل و تزیین بیوت به آن نهی دارد که قطعا باید حمل بر کراهت بکنیم.

روایت سوم روایت تحف العقول است.

[سؤال: ... جواب:] نه. عیب ندارد. نگهداری و تزیین نهی دارد که قطعا حلال است؛ مکروه است. ... ما هم عرض‌مان همین است دیگه. یا ظهور دارد این نهی در نهی از تزیین بیوت، تزویق بیوت یعنی تزیین بیوت که ربطی به ساختن این تصاویر تماثیل یا نقاشی تماثیل ندارد. ... نه این ظاهرش این است که تزیین بیوت نهی دارد و لو به این‌که شما بیایید این تصاویر را که دیگران کشیده‌اند به چسبانید به دیوار. کاغذ دیواری تولید کردند عکس فرشته و جن و پرنده رویش هست شما می‌چسبانید، این‌که قطعا حرام نیست. ... تزویق حیث تزیین است نه حیث ایجاد این نقاشی. این تزیین نهی دارد اما بعد در روایت دیگر می‌گوید نهی ندارد تزیین. نسبت به تزیین یک عنوان است، نقاشی کردن عنوان دیگری است. شما می‌خواهید بگویید یک مصداق تزیین این است که خود این نقاش را دعوت می‌کنیم می‌گوییم بیا روی دیوار ما نقاشی بکش نه این‌که کاغذ را می‌خریم که نقاشی رویش هست و لکن حیث تزیین در این روایت متعلق نهی است و حیث تزیین با حیث ایجاد نقاشی، تزیین بیوت با نقاشی یا اقتناء نقاشی در بیوت فرق می‌کند. دو عنوان است. ... نخیر. نهی از تزیین بیوت حمل بر کراهت شد طبق روایات دیگر. ... آقا! معنای تزویق البیوت کی می‌گوید نقاشی کردن روی دیوار بیوت است. شاید معنایش نگهداری و تزین به اینها باشد و لذا بعدش گفت و تصاویر التماثیل، خب نگهداری اینها که حرام نیست، قطعا دلیل بر رخصت داریم. تزیین به این‌که که حرام نیست. آن‌که محتمل است حرام باشد خود نقاشی کردن که این هم عنوان آخری است. از این روایت حکم آن استفاده نمی‌شود.

#### روایت سوم: تحف العقول: مالم یکن مثل الروحانی

روایت سوم: روایت تحف العقول است: لابأس بصنعة الصنوف التصاویر ما لم یکن مثل الروحانی.

که گفتند مفهومش گفتند تصویر روحانی بأس دارد. روحانی را هم گفتند موجوداتی که ذی روح هستند که مفهومش می‌شود تصویر موجودات ذی روح اعم از مجسمه یا نقاشی بأس دارد؛ منع دارد.

#### ضعف سند روایات تحف العقول

این هم جوابش این است که اولا سند روایت تحف العقول ضعیف است. ما این را بارها گفتیم. تحف العقول مشتمل است بر روایات مرسله. حالا اولش گفته که یک عبارتی دارد که انی اسقطت الاسانید تخفیفا و ایجازا فتاملوا یا شیعة امیرالمؤمنین ما قالت ائمتکم و تلقوا ما نقله الثقات عن السادات. بعضی‌ها گفتند معلوم می‌شود صاحب تحف العقول دارد می‌گوید ثقات نقل کردند این احادیث را.

#### تشکیک در وثاقت مؤلف، ومدلول مقدمه نصیحت است ونه توثیق روات

ما جواب دادیم گفتیم اولا خود جناب صاحب تحف العقول توثیقش خیلی واضح نیست. آل شعبه حرّانی توثیقش واضح نیست. علماء متاخر گفتند فاضل متبحر مثل صاحب وسائل. حالا خیلی جرأت نداریم راجع به شخصیت مولف این کتاب حرف بزنیم. اما عرض ما این است که این عبارت ظهور ندارد در این‌که همه روایات این کتاب را ثقات نقل کردند. دارد نصیحت می‌کند به شیعه. اولش گفته اسانید را اسقاط کردم، چند صفحه بعدش می‌گوید‌ای شیعه مثل مخالفین نباشید سخنان ائمه را شنیدند و عمل نکردند. شما سخنانی که ثقات نقل می‌کنند از ائمه عمل کنید. معنایش این است که هر آنچه من در این کتاب نقل کردم نقل از ثقات است؟ معنایش این نیست.

[سؤال: ... جواب:] چند صفحه بعد می‌گوید؛ فاصله دارد. اول می‌گوید من اسانید را حذف کردم ایجازا. چند صفحه بعد می‌آید می‌گوید نصیحتی دارم به شما شیعه‌ها. احادیث ائمه را عمل کنید. آنچه را که ثقات از ائمه نقل کردند تلقی به قبول کنید. مثل عامه نباشید که گوش به حرف ائمه نکردند. یک نصیحت کلی می‌کند. چه ظهوری دارد در این‌که همه احادیث این کتاب را ثقات نقل کردند؟

#### روحانی یعني مقدّس نه ذی الروح

راجع به دلالت این روایت، روحانی به قول امام مساوی با موجودات زنده و ذی روح نیست. روحانی یعنی مقدس. یعنی آنی که دنبال جسم و ماده نیست. چرا به شما می‌گویند روحانی؟ برای این‌که می‌گویند شما دنبال دنیال نیستید. اگر بدانند نه، ‌ما بیشتر دنبال دنیا هستیم خدایی نکرده آن وقت پشیمان می‌شوند این اسم را بر روی ما گذاشتند. روحانی یعنی موجودات دور از جسم و ماده. ملائکه را می‌گویند روحانی. فوقش این روایت می‌گوید عکس ملائکه را نکشید. شما را چه به عکس ملائکه کشیدن. حالا من عکس گربه خانه ام را بکشم این داخل در تصاویر روحانی است؟

[سؤال: ... جواب:] شما شاهد دارید بر این‌که روحانی یعنی موجود زنده؟ گربه و گرگ و پلنگ روحانی هستند؟ ان الله، در کافی است، ان الله خلق الخلق و هو اول خلق من الروحانیین عن یمین العرش من نوره. ربطی ندارد به تصویر حیوانات و جن و پری و .... بله؟ ... آن یک روایت دیگر بود. آن در تماثیل بود. آن را می‌رسیم. اینی که تماثیل ندارد، تصاویر دارد که شامل نقاشی می‌شود این روایت است که دارد ما لم یکن مثل الروحانی.

روایت چهارم:

[سؤال: ... جواب:] حالا ائمه در عرف عام مجردات که نبودند. این منصرف است به مجردات. آن‌هایی که جسم لطیف دارند به قول علامه مجلسی. علامه مجلسی می‌گوید روحانیین یعنی آن‌هایی که جسم لطیف دارند. اول خلق من الروحانیین نگاه کنید در مرآة العقول علامه مجلسی می‌گوید مراد از روحانیین اجسام لطیفه است. ... کدام؟ ... نه دیگه. لابأس بصنعة تصاویر... ما لم یکن مثل الروحانی. یعنی اذا کان مثل الروحانی ففیه بأس. ... خب ما هم همین را می‌گوییم دیگه. ما می‌گوییم این شامل موجودات زنده نمی‌شود. ... خب حالا فوقش می‌گوییم شاید روحانی مثال بوده برای موجودات زنده. ولی نمی‌توانید استدلال کنید اینجا. اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال. نمی‌شود اینجا استدلال کنید تصویر موجودات زنده حرام است چون مثال تصویر روحانی است. روحانی مگه احراز کردید به معنای موجود ذی روح است.

#### روایت چهارم: نهی از تمثیل مثال

روایت چهارم: روایاتی است که نهی کرده از تمثال. من مثّل مثالا فقد خرج عن الاسلام.

مثال بله، لغویین مطلق معنا کردند. بعضی روایات هم تطبیق کرده بر نقاشی.

#### به مطلق نقاشی مثال گفته نمیشود

ولی اطلاق غیر از استعمال با قرینه است. گاهی با قرینه استعمال می‌شود مثال در مطلق تصویر. اما به قول مطلق به نقاشی نمی‌گویند مثال. مثال یعنی نمونه. نمونه این انسان آن مجسمه‌اش است نه آن عکسی که از او کشیدند. و لااقل من الشک. رجوع می‌کنیم به اصل برائت از حرمت نقاشی موجودات زنده.

روایات پنجم:

[سؤال: ... جواب:] باز هم نمونه نمی‌گویند به قول مطلق و لااقل من الشک.

روایت پنجم روایاتی است که می‌گوید مثل مناهی النبی. من صور صورة...

[سؤال: ... جواب:] نه. الان در لغت فارسی می‌گویند تمثال مبارک... نخیر. معلوم نیست. ما که ندیدیم. التمثال المبارک ما ندیدیم عرب‌ها بگویند. ... اینها فارسی است. مثل مشهد نوشتند صحن الانقلاب الاسلامی.

در حدیث مناهی النبی، حدیث پنجم،‌من صور صورة کلفه الله ان یفنخ فیها و لیس بنافخ.

[سؤال: ... جواب:] شما احراز کردید مثال شامل نقاشی می‌شود؟ ما می‌گوییم محتمل است که مثال به معنای نمونه باشد. نمونه کامل و به قول مطلق مجسمه است. ... حالا اگر سایز نداشت نمونه نیست؟ نمونه انسان است دیگه. حالا انسان حتما باید لاغر باشد یا قد بلند باشد؟ ... دیگه قدر متیقن مجسمه است دیگه. شما در آن مناقشه نکنید. گوشت باید داشته باشد؟

#### روایت پنجم: امر به نفخ در تصاویر

حدیث پنجم: حدیث‌هایی بود که تعبیر می‌کرد من صور صورة کلفه الله ان ینفخ فیها و لیس بنافخ مثل حدیث مناهی النبی.

#### ظهور عرفي نفخ در قابلیت نفخ، وربطی به نقاشی ندارد

به نظر ما خود امر ان ینفخ فیها و لیس بنافخ ظاهر عرفیش این است که قابلیت نفخ روح دارد. اینی که آقای خوئی به تبع مرحوم شیخ فرمودند این نقاشی‌هایی که می‌کردند جرم داشت و این‌ها قابل نفخ روح بود، اینها عرفی نیست. بعدش هم اخص از مدعی است. الان نقاشی‌هایی که می‌کنند با جوهر خودنویس و ... اصلا جرم ندارد. حالا آن‌هایی که قدیم جرم داشت، عرفی نیست، جرمش معتد به نیست که. انصراف دارد که این بگوییم قابلیت دمیدن روح دارد. آن‌که قابلیت دمیدن روح دارد این است که همه چیزش به لحاظ این‌که، فقط مانده روح در او بدمند، همه چیزش کامل است مانده روح در او بدمند. و این مجسمه است نه نقاشی. بعضی از این روایات هم لفظ مثال دارد مثل مرسله ابن ابی عمیر که آن اشکال بیشتری پیدا می‌کند. من مثل تمثالا، در مرسله ابن ابی عمیر،‌کلف یوم القیامة ان ینفخ فیها و لیس بنافخ. آن‌که هم مشکل امر ان ینفخ فیها و لیس بنافخ را دارد و هم تمثال را که دو تا مشکل می‌کند.

و لذا ما دلیلی بر حرمت نقاشی پیدا نکردیم. اصل برائت جاری می‌کنیم. ولی مجسمه سازی موجودات زنده حرام است.

#### تعجب از فتوای آقای خوئی به حرمت نقاشی

و عجیب است از آقای خوئی. آقای خوئی می‌گوید نقاشی حرام است، در منهاج الصالحین هم فتوی می‌دهد.

[سؤال: ... جواب:] حالا اجازه بفرمایید.

آقای خوئی فرموده نقاشی موجودات زنده حرام است. فتوی هم داده در منهاج. می‌گوییم آقا! دلیل‌تان چیه؟ شما این روایاتی که راجع به تصویر است، من صور صورة، لعن الله المصورین، اینها که خودتان گفتید ضعیف السند است. ما روایت صحیح السند نداریم به نظر شما. حتی این روایت امر ان ینفخ فیها و لیس بنافخ ایشان می‌گوید ضعیف السند است و لو کثیر هست. روایت صحیحه‌ای که ایشان نقل می‌کند یکی صحیحه محمد بن مسلم بود که لا بأس ما لم یکن شیئا من الحیو‌آن‌که آن را گفتیم موضوعش تمثال است. سألته عن تماثیل الشجر و الشمس والقمر قال لابأس بهذا کله ما لم یکن شیئا من الحیوان. و متعلقش هم معلوم نیست که ساختن است، نگهداری است که قبلا اشکال کردیم.

#### تفسیر ساختن اجنّه تماثیل به تماثیل شجر

یک صحیحه فضل بن عبدالملک است، صحیحه بقباق، این را هم ایشان مطرح می‌کند. عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله یعملون له ما یشاء من محاریب و تماثیل. امام فرمود و الله ما هی تماثیل الرجال و لا النساء و لکنها الشجر و شبهه.

آقا! این اصلا دلیل بر حرمت تمثال هم نمی‌شود. راجع به این است که برای سلیمان، جن تمثال می‌ساختند. امام فرمود به خدا تمثال مردها و زن‌ها نبود، تمثال درخت بود. این دلیل می‌شود بر حرمت حتی تمثال مردها و زن‌ها تا بعد ما بگوییم شامل نقاشی هم می‌شود؟

[سؤال: ... جواب:] بله دیگه. مجسمه درخت را الان هم می‌سازند در خانه‌ها هم نگهدار می‌دارند دیگه. درخت مصنوعی اسمش را گذاشتند. ... نخیر. تمثال یعنی شبیه درخت می‌ساختند.

شاید مکروه بوده ساختن اینها. خدا نمی‌آید یک کار مکروه را به عنوان افتخار بگوید که بله، جن در خدمت حضرت سلیمان بودند کارهای مکروه را برایش انجام می‌دادند. این عرفی نیست.

[سؤال: ... جواب:] بله یعنی فکر نکنید کار مکروه انجام می‌دادند حضرت سلیمان و یا اتباع سلیمان. دلیل بر حرمت نمی‌شود. تازه بعد از این‌که دلیل بر حرمت می‌گیرد ایشان به اطلاقش هم تمسک می‌کند که پس نقاشی هم حرام است. آخه نقاشی تمثال نیست یا لااقل شبهه دارد که تمثال باشد.

پس نقاشی موجودات زنده حرام نیست. فقط مجسمه موجودات زنده حرام است.

#### عدم فرق بین مجسمه ناقص ومجسمه کامل

و لافرق فی ذلک، فرقی نمی‌کند حرمت مجسمه موجودات زنده که مجسمه ناقص باشد یا کامل به شرط این‌که بگویند مجسمه حیوان. گاهی ناقص هست ولی نمی‌گویند مجسمه حیوان می‌گویند مجسمه نیمه بدن. مثل فرض کنید نصفش را کشیدند؛ نصفش کشیده نشده. یا فقط سرش را کشیدند. بله این تمثال الحیوان نیست. ولی گاهی عرفا می‌گویند تمثال حیوان. چه جوری می‌گویند تمثال حیوان؟ فرض کنید مردم که می‌بینند فکر می‌کنند این حیوان نشسته یا این انسان نشسته. با این‌که نیم تنه‌اش را کشیدند، گذاشتنش روی زمین مثل یک آدم نشسته. یا دست ندارد، پا ندارد. خب مگر آدم دست نداشته باشد موجود زنده نیست؟ اگر پا نداشته باشد موجود زنده نیست. ولی اگر بیایند انسان بی سر بسازند، خب این عرفا تمثال الانسان نیست، تمثال بعض الانسان است. انسان بی سر کشیدن به نظر ما حلال است. اصل برائت جاری می‌کنیم از حرمتش. چون صدق نمی‌کند. تمثال موجود زنده را کشید. امر ان ینفخ فیها و لیس بنافخ هم انصراف دارد از او. اما اگر نه، انسان بی دست، انسان بی پا، انسان نشسته، اینها حرام هست.

#### آقای تبریزی: جواز تشریک در ساختن مجسمه در صورت عدم قصد اولی

یک مطلبی را هم از مرحوم آقای تبریزی نقل کنم این بحث را تمام کنیم.

مرحوم آقای تبریزی می‌فرمایند اگر دو نفر بیایند یک مجسمه کامل بسازند، نصفش را، آدم برفی می‌خواهند بسازند، از پاش شروع کرد رسید به شکمش، گفت دیگه من نمی‌سازم. یکی دیگه آمد گفت از شکمش تا سرش من می‌سازم. اگر آن اولی قصدش این بود و می‌دانست که دومی می‌آید تکمیل می‌کند، می‌شود تعاون علی الاثم و لاتعاونوا علی الاثم. اما اگر اولی علم نداشت که یک آدم بیکارتر از خودش هست، آمد تا شکم این انسان را با برف ساخت، دیگه ادامه نداد یا حتی تا سینه‌اش ساخت، سرش را نساخت، گفت شبهه حرمت دارد ما این کار را نمی‌کنیم. خیلی از مردم غافلند این کار‌ها را انجام می‌دهند. این آقا ملتفت شد و گفت انجام نمی‌دهم. یکی دیگه آمد گفت بابا حیف است، فقط مانده سرش، سرش را هم بساز. آقای تبریزی می‌گوید نه آن اولی کار حرامی کرده نه دومی. چرا؟ برای این‌که اولی فرض این است که نمی‌دانست این دومی می‌آيد اکمال می‌کند. دومی هم کارش اکمال تجسیم بود. اکمال تجسیم دلیل بر حرمت ندارد. ایجاد تجسیم، ایجاد مجسمه موجود زنده حرام است. منتها فرق نمی‌کند ایجاد توسط یک نفر انجام بشود یا به نحو اثم و عدوان از دو نفر صادر بشود. اما اینجا که اثم و عدوان نیست. نفر اول که نمی‌دانست این دومی می‌آید. دومی هم که می‌آید می‌گوید من دارم اتمام می‌کنم مجسمه را. اتمام مجسمه که حرام نیست.

#### استاد: تکمیل هم حرام است به جهت صدق ساختن مجسمه بر کار هر دو، اگر چه اولی اصل برائت دارد

این فرمایش آقای تبریزی به نظر ما ناتمام است. ما برای حرمت تعاون بر گناه نیاز به آیه لاتعاونوا علی الاثم و العدوان نداریم. اصلا خود اطلاق دلیل تحریم ساخت مجسمه شامل ساخت آن توسط یک نفر یا توسط دو نفر یا به واسطه دستگاه و ماشین، کارخانه، همه این‌ها داخل است. اطلاق شامل همه اینها می‌شود. آن نفر اولی که نیمی از این مجسمه برفی را ساخت او هم کارش حرام بوده فی علم الله اگر نفر بعدی بیاید ‌آن را تکمیل کند. چون ایجاد کردند مجسمه کامل را این دو نفر. منتها چون اولی نمی‌دانست اصل برائت داشت ولی دومی چی؟ دومی دارد می‌داند که دارد حرام صادر می‌شود از این دو نفر. اولی معذر بود چون جاهل بود، رفع ما لایعلمون. اما دومی معذور نیست. استناد دارد مجسمه ساختن به این دو نفر که یک نفر جاهل قاصر است و دیگری متعمد و بر او منجز است.

و لذا ما ملتزم شدیم اگر نفر اول مکلف است، نفر دوم طفل است. یک مکلفی می‌گوید آقا! من می‌خواهم مجسمه برفی بسازم اما از این شبهه‌هایی که ایجاد شده می‌ترسم. می‌خواهم احتیاطم را رجوع کنم به بعضی از آقای‌آن‌که جایز است مجسمه سازی، می‌بینم آقای زنجانی فتوی دارد می‌دهد به حرمت مجسمه سازی و راجع به نقاشی هم در موجودات زنده احتیاط می‌کند، کار ما را سخت کرد. ولی یک راه حلی داریم، ما تا سینه این آدم برفی را من می‌سازم، سرش را هم این طفل نابالغی که هست بیاید او بسازد. از نظر آقای تبریزی این تعاون علی الاثم نیست چون صدور این فعل از صبی که اثم نیست. ولی ما می‌گوییم حرام است بر این پدر. چون این مجسمه ساختن از دو نفر صادر شد یکی‌شان قاصر است. که همان طفل است. و آن اولی که پدر این طفل است بالغ است.

#### تشبیه مقام به اره کردن درخت مردم با همکاری صبی

مثل این می‌ماند که درخت مردم را دو نفر با هم یکی اره را یک طرفش را دست گرفته یکی طرف دیگرش را. اره می‌کنند. یکی از اینها قاصر است؛ طفل نابالغ است. دیگری بالغ است. تعاون علی الاثم نیست چون آن صبی اثم مرتکب نمی‌شود. اما صدور حرام است از این شخص بالغ بالمشارکة مع غیره و این حرام است. چه فرق می‌کند؟ این حرمت شاملش می‌شود به شرط این‌که عرفا آنی که می‌سازند مجسمه موجود زنده باشد. یک مجسمه یا کامل یا ناقص هم اگر هست ناقصی باشد که عرفا موجود قابل نفخ روح است. اگر سر نداشته باشد به نظر ما صدق نمی‌کند. و لذا اشکال ندارد.

[سؤال: ... جواب:] من در هر دو دارم اشکال می‌کنم به مرحوم استاد. هر دو را آقای تبریزی را حلال بداند و ما حرام می‌دانیم. هم آن جایی که نفر اول که می‌آید نصف این مجسمه آدم برفی را می‌سازد نمی‌داند که دیگری آن را تکمیل خواهد کرد بعد دیگری می‌آید تکمیل می‌کند، آقای تبریزی فرموده حلال است ما عرض کردیم حرام است. فقط اولی معذور بوده؛ رفع ما لایعلمون. و آن مورد دوم هم که نفر دوم صبی است باید آقای تبریزی حلال بداند بر آن شخص بالغ که نصف این مجسمه را ساخت نصف دیگرش را داد دست این بچه. ما می‌گوییم نه، کار آن نفر اول که بالغ بود حرام است.

#### مجسمه‌های علمی ربات و...

راجع به این مجسمه‌های علمی مثل این ربات‌ها، مثل این پلیس‌ها، دو جور پلیس می‌سازند من دیدم، یک مجسمه پلیس است، یک نه، آن حالت عکس پلیس است، مجسمه پلیس را اگر بسازند مثل ربات می‌شود، مثل این مجسمه انسان در مراکز پزشکی می‌شود، خب مشهور که این‌ها را حرام می‌دانند.

#### شبهه انصراف به جهت عدم قابلیت تقیید عرفی

ولی یک شبهه‌ای هست. و آن این است که بگوییم انصراف این روایات به آن مجسمه سازی‌هایی بوده در آن زم‌آن‌که اغراض علمی بر آن مترتب نبوده. شبهه انصراف بکنیم. چون هر خطابی که اطلاق در آن منعقد نمی‌شود. باید قابل تقیید عرفی باشد. خب آن زم‌آن‌که مجسمه را برای اغراض علمی نمی‌ساختند که. ربات که نمی‌توانستند بسازند. اسباب‌بازی اغراض سرگرمی است. مجسمه‌ای که برای اغراض سرگرمی ساخته می‌شود حرام. اما ممکن است بگوییم مجسمه‌هایی که برای اغراض علمی است از این روایات انصراف دارد یا شبهه انصراف دارد. و لذا بعید نیست در این موارد اگر بیاید بگوید حرام نیست خلاصه به قول آقای زنجانی از مدرسه بیرونش نمی‌کنند. حالا ما هم به عنوان شبهه مطرح کردیم.

راجع به مجسمه سازی بحث تمام شد.

افعال محرمه دیگری هست. ان شاء‌الله بعد از دهه محرم دنبال می‌کنیم. عنوانش را عرض کنم:

#### استعمال آلات لهو وغنا

استعمال آلات لهو و غنا. غنا آواز لهوی است. استعمال آلات لهو ضرب آلات لهو است و دو حکم مستقل دارد. این‌که مشهور می‌گویند غنای زنان در عروسی جایز است ولی آقای سیستانی احتیاط واجب می‌کند ترک بشود خود غنا است نه همراه با نواختن تار و تنبور. این دو حکم مستقل دارد. پس یک بحث راجع به آلات لهو است، یک بحث راجع به غنا است. اما ضرب آلات لهو بحثش این است، تامل بفرمایید! ان شاء الله دنبال می‌کنیم، ضرب آلات لهو به کیفیت لهویه حرام است یا مطلقا حرام است‌و لو در عزای امام حسین تنبل بزنند، نی بزنند که کیفیت لهویه نیست. این یک بحث. بحث دیگر این است که مقصود از لهو چیست. آیا مقصود از ضرب آلات لهو به کیفیت لهویه یعنی کیفیت مناسب شهوت جنسی که بعضی معنا می‌کنند یا نه؟ ضرب آلات لهو به کیفیت لهوی یعنی کیفیتی که موجوب سرگرمی است. مثل سرگرمی که در روایات است برای سفر صیدی که گفت انما خرج فی لهو. آنی که برای صید سفر می‌کند قصدش لهو است یعنی سرگرمی. آن وقت می‌شود ضرب آلات لهو به کیفیت لهویه یعنی به نحوی که سرگرمی ایجاد کند. این بحث‌ها بحث‌هایی است که ان شاء‌الله باید دنبال کنیم. فرق ما بین آلات مشترکه، آلات مختصه و مباحث دیگر ان شاء الله در بعد از دهه محرم دنبال خواهد شد.

و الحمد لله رب العالمین.